

- نکته (۱) ضمیر متصل بعد از کلمه ی **نفس** یا **انفس** ترجمه هم نشود اشکالی ندارد اما در بقیه موارد ضمیر باید ترجمه شود .
- نکته (۲) **مای موصول** در جمله معمولا نقش **مفعول** را دارد .
- نکته (۳) وقتی **قیل** از اسم ، حرف **ل** بیاید ؛ به معنای **برای** می باشد .
- نکته (۴) **مصدرها** به صورت **فعل** هم ترجمه می شوند .
- نکته (۵) ((**فَ**)) در جمله ترجمه شود یا نشود مهم نیست و این کلمه به معنای " و " نیز می باشد .
- نکته (۶) **اسم های مشتق** به صورت **فعل** هم ترجمه می شوند .
- نکته (۷) اگر بلافاصله بعد از **اسم تفضیل** ، **مضاف الیه** بیاید ، اسم تفضیل باید به صورت **صفت عالی** ترجمه شود .
- نکته (۸) برای **جمع غیر انسان** ، فعل مفرد مونث می آید .
- نکته (۹) اگر در جمله شرطیه **فعل شرط و جواب شرط** به یک **فرد خاص** برگردد هر دوی آن ها از نظر صیغه باید کاملا شبیه هم باشند .
- نکته (۱۰) کلمه **اذا** هر چه ترجمه شود صحیح است .
- نکته (۱۱) تنها جایی که **فعل ماضی** به صورت **مضارع** معنی می شود در **جملات شرطیه** است .
- نکته (۱۲) کلماتی مانند ایرانی که آخر آن **ی** نسبت می آید در عربی نقش **صفت** را دارند و باید از نظر ظاهر شبیه اسم قبل از خود بیایند .
- نکته (۱۳) کلمه ی **آخر** هرگز تنوین نمی گیرد .
- نکته (۱۴) کلمه **مکان** هر چه ترجمه شود درست است .
- نکته (۱۵) **ضمیر** را بعد از کلمه ی **رب** می توان ترجمه نکرد .
- نکته (۱۶) کلمه ی **بحد ذاتها** به معنای **به خودی خود** یا **خود به خود** است .
- نکته (۱۷) اگر بعد از حروف **لَعَلَّ** و **لَیْتَ** فعل بیاید آن فعل باید **مضارع** باشد .
- نکته (۱۸) بلافاصله بعد از فعل هرگز اسم مجرور نمی آید .
- نکته (۱۹) بعد از **مثنی** و **جمع مذکر سالم** اگر ضمیر متصل بیاید حرف " ن " باید حذف شود .
- نکته (۲۰) **اسم مثنی** اعراب آن همیشه **فرعی** است .
- نکته (۲۱) **إخوان جمع مکسر** اعراب آن همیشه **اصلی** و حرف " ن " آن هرگز حذف نمی شود .
- نکته (۲۲) اگر در وسط جمله **حرف واو (و)** بیاید و بلافاصله بعد از آن **ضمیر منفصل مرفوعی** داشته باشیم به آن **واو حالیه** می گویند . به معنای **در حالی که** یا **در حالی** و به ندرت **که** می باشد .
- نکته (۲۳) اگر یک اسم در آخرش **ی** نسبت داشته باشد در فارسی به صورت **نکره** ترجمه میشود هر چند آن اسم در عربی معرفه باشد .
- نکته (۲۴) اسم **خمسه ذو ، ذا و ذی** بعد از اسم نکره همیشه نقش **صفت** را دارد .
- نکته (۲۵) **هولاء المرضى** به معنای **بیماران** همیشه اعراب تقدیری دارد ، جمع مکسر می باشد و مفرد آن **مريض** مشتق صفت مشبیه است .
- نکته (۲۶) اگر در جمله ای یک ضمیر چند بار آمده باشد میتوان آن را فقط یکبار ترجمه کرد .
- نکته (۲۷) جمع مکسر المراه = نساء (کلمه ی زن جمع مکسر ندارد)
- نکته (۲۸) اگر **بین دو حرف منفی لا ، واو عطف** بیاید می توان حرف **لا** را نه ترجمه کرد و خود مضارع را مثبت .
- نکته (۲۹) اگر در اول جمله کلمه **من** بیاید و بلافاصله بعد از آن فعل و بعد از فعل حرف **ف** بیاید چنین جمله ای **حتما شرطیه** است و **من اول جمله اسم شرط** به معنای **هرکس** یا **هرکه** می باشد .
- نکته (۳۰) کلماتی که بر وزن **أفعل ، أفلّ و أفعی** باشند همگی **غیرمنصرفند (به جز أربع)** .
- نکته (۳۱) قبل از جمله ی وصفیه حروفی مانند **وَ ، فَ و ثَمَّ** نمی آید و هم چنین جمله ی وصفیه به صورت **مضارع منصوب** نیز نمی آید مگر آنکه حرف ناصبه **من** باشد .
- نکته (۳۲) **اسم تفضیل** هرگز **موصوف** واقع نمی شود .
- نکته (۳۳) **اسم استهفام** نکره است .
- نکته (۳۴) **من و ما** پس از حرف جر وسط جمله **حتما موصول** می باشد .
- نکته (۳۵) اگر **بعد از ی مضاف الیه** بیاید حرف ی هرگز ضمیر نیست .
- نکته (۳۶) **ایاکم** = فقط شما

نکته ۳۷) کلمه ای که بر وزن مُفاعَله می آید هرگز صفت نمی شود .

نکته ۳۸) شکل ماضی استمراری در عربی همیشه مضارع می باشد .

نکته ۳۹) کلمه ای که بر رنگ دلالت دارد در عربی صفت است .

نکته ۴۰) الجلیل اسم غیر منصرف است . معرفه به "ال" نمی باشد .

نکته ۴۱) دماء = خون ها

نکته ۴۲) الدَّار = اسم مونث صوت = اسم مذکر عزت = مونث

نکته ۴۳) در شرط ، زمان و جنس فعل مهم نیست . جنس زمانی مهم است که شرط به یک اسم برگردد .

نکته ۴۴) بلافاصله بعد از فعل مجهول هرگز ضمیر متصل نمی آید .

نکته ۴۵) هنگام مجهول یا معلوم کردن فعل زمان فعل هرگز تغییر نمی کند .

نکته ۴۶) فعل یُمْکِنُ هرگز مجهول نمی شود .

نکته ۴۷) لَمْ یُؤیِّدْ = تایید نشد اختبار = امتحان ، آزمایش

نکته ۴۸) اگر فعل مضارع صیغه ۱۳ یا ۱۴ باشد هنگام معلوم یا مجهول کردن صیغه ی آن فعل تغییر میکند و معمولاً به صیغه ۱ یا ۴ تبدیل می شود .

نکته ۴۹) حرف "ن" کنار حرف "ت" : باب افتعال

نکته ۵۰) ترجمه = زندگی نامه الدَّب = خرس

نکته ۵۱) مای نفی و مای کافه اعراب محلی ندارند ؛ چون حرف نقش پذیر نیست .

نکته ۵۲) لا بعد از منادا حتما مجزوم است .

نکته ۵۳) هنگام تغییر یک جمله به معلوم و مجهول جایگاه کلمات هرگز تغییر نمی کند .

نکته ۵۴) فعل های ناقص : کان ، سار ، اصْبَحْ ، لیس هرگز مجهول نمی شوند .

نکته ۵۵) حنظله : علم مذکر (مونث لفظی) ، غیر منصرف

نکته ۵۶) فعل امر هرگز مجهول نمی شود .

نکته ۵۷) فعل غایب در اول جمله هیچگاه ضمیر مستتر ندارد .

نکته ۵۸) "باید" بر سر صیغه های مخاطب نمی آید .

نکته ۵۹) جار و مجرور اول جمله خبر مقدم است به شرطی که بعد از آن اسم نکره بیاید .

نکته ۶۰) در جمله معلوم هر تعداد فعل متعدی داشته باشیم همه ی آنها باید مجهول شوند .

نکته ۶۱) فعل برای کلمات اُمَم ، جماهیر ، الشعوب همیشه مفرد مونث می آید .

نکته ۶۲) باب انفعال و تفاعل هرگز مجهول نمی شوند زیرا ؛ لازم هستند .

نکته ۶۳) مرات (بارها) : همیشه نقش مفعول فیه را دارد و منصوب به کسره است اما اگر دقیقاً قبل آن عدد آمده باشد : مرات ؛ تمیز و مجرور به

اعراب اصلی ظاهری

نکته ۶۴) کَیْفَ قبل از فعل نقش حال را دارد .

نکته ۶۵) نُصِبَ به معنای مقابل همیشه مفعول فیه است .

نکته ۶۶) اولاً همیشه مفعول فیه می باشد .

نکته ۶۷) عَرَفَ = شناخت عَرَفَ = شناساند

نکته ۶۸) مَن و ما بعد از فعل امر مفعول می باشند .

نکته ۶۹) فعل غائب اول جمله مفرد می آید .

نکته ۷۰) اگر در وسط جمله بعد از کلمه ما جار و مجرور یا ظرف بیاید آن ما در اکثر موارد موصول است و به ندرت می تواند حرف منفی باشد . اما اگر در

وسط جمله بعد از مَن جار و مجرور یا ظرف بیاید آن مَن قطعاً موصول است .

نکته ۷۱) اگر موصوف اسم علم باشد می تواند ال بگیرد اما صفتش باید ال بگیرد .

نکته ۷۲) اگر قبل از ی حرکت فتحه بیاید آن اسم قطعاً مقصور می باشد و حرف ی الف (أ) خوانده می شود . (یتامی)

نکته ۷۳) اسم هایی که اعراب تقدیری دارند و همچنین اسم های مبنی که در آخر آن حرف ی آمده میتوان علامت ساکن را بر روی حرف آخر آن قرار داد .

نکته ۷۴) العدی : جمع مکسر / مفرد آن عدو / مشتق

- نکته ۷۵) فعل های مضارع ناقص اگر مرفوع باشند یعنی ادات نصب و جزم قبل از آن ها نیامده باشد اعراب آن در صیغه های ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ تقدیری می باشد .
- نکته ۷۶) قد حان به مفعول فیه نیاز ندارد .
- نکته ۷۷) سمع : شنیدم استمع : گوش دادن یصغی : با دقت گوش دادن
- نکته ۷۸) اعداد ترتیبی و وصفی همیشه بر وزن فاعل می آیند به جز عدد اول و چون در عربی نقش صفت را دارند باید از نظر ظاهر کاملا شبیه اسم قبل از خود باشند .
- نکته ۷۹) فعل وسط جمله دو نقش فعل و معطوف را می پذیرد .
- نکته ۸۰) اگر اسم موصول بین دو فعل قرار گیرد از نظر معنا و جنس و عدد باید شبیه فعل بعد از خود بیاید .
- نکته ۸۱) اگر یک اسم هم صفت داشته باشد و هم مضاف الیه در زبان عربی برخلاف فارسی اول مضاف الیه می آید و بعد از آن صفت و اگر این ترکیب معرفه باشد اسمی که هم موصوف است و هم مضاف الیه هرگز ال نمی گیرد اما دو اسم بعد از آن (مضاف الیه و صفت) باید ال بگیرند .
- نکته ۸۲) مفعول فیه نقش خبر را نیز می تواند داشته باشد .
- نکته ۸۳) اگر بلافاصله بعد از فعل ناقص جار و مجرور یا ظرف بیاید حتما خبر مقدم است به شرط آنکه فعل ناقص جز صیغه های واجب المستتر نباشد یعنی فعل ناقص صیغه ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ مضارع و امر نباشد .
- نکته ۸۴) اگر فعل ناقص صیغه ی ۱ یا ۴ ماضی یا مضارع باشد و بلافاصله بعد از آن جار و مجرور یا ظرف بیاید و در ادامه آن جمله اسم نکره داشته باشیم حتما خبر مقدم است اما اگر اسم نکره نداشته باشیم باید به معنای جمله دقت کنیم .
- نکته ۸۵) اگر بلافاصله بعد از اسم ناقص یک فعل بیاید آن فعل حتما خبر می باشد و هر دوی آن ها از نظر صیغه باید کاملا شبیه هم باشند و فعل غایب در اول جمله باید مفرد بیاید .
- نکته ۸۶) فعل ناقص در وسط جمله از نظر جنس و عدد باید کاملا شبیه جمله قبل از خود بیاید به شرط آنکه اسم فعل ناقص به صورت ظاهر نیامده باشد اما اگر اسم فعل ناقص ظاهر باشد باید فعل ناقص از نظر جنس شبیه اسم خود بیاید .
- نکته ۸۷) اگر بعد از اسم ناقص یک کلمه بیاید آن کلمه حتما خبر فعل ناقص است و باید منصوب شود .
- نکته ۸۸) من و ما موصول بعد از مبتدا و اسم نواسخ حتما خبر مفرد می باشند .
- نکته ۸۹) تمام فعل های مجهول متعدی هستند .
- نکته ۹۰) اگر بین سه حرف اصلی "ت" بیاید حتما ثلاثی مزید باب افتعال می باشد .
- نکته ۹۱) کلمه ای که اول آن م باشد حتما مشتق می باشد به جز مُفَاعَلَه که جامد مصدری است .
- نکته ۹۲) در باب تفاعل و تفعّل صیغه های مثنی و جمع ماضی و امر کاملا شبیه همدانند اما در بقیه باب ها عین الفعل در ماضی فتحه و در امر کسره می گیرد .
- نکته ۹۳) مبتدا اگر ال نداشته باشد اسمی که بلافاصله بعد از آن می آید حتما مضاف الیه می باشد .
- نکته ۹۴) نحن : هم برای مثنی هم برای جمع / می تواند مذکر یا مؤنث نیز باشد .
- نکته ۹۵) البؤسا = مفرد آن بائس
- نکته ۹۶) برای مشخص کردن جامد و مشتق باید مفرد کلمه را در نظر بگیریم .
- نکته ۹۷) یُحِبُّ = همیشه ثلاثی مزید
- نکته ۹۸) اگر پس از اسم اشاره نکره بیاید خبر است و جمله ی بعدی وصفیه است .
- نکته ۹۹) أئنا : همیشه مفعول فیه مگر آن که قبل از آن جار بیاید .
- نکته ۱۰۰) عبد : همیشه مشتق
- نکته ۱۰۱) اسم مشتق معنای وصفی دارد .
- نکته ۱۰۲) مَن پس از مبتدا همیشه فاعل است .
- نکته ۱۰۳) خبر مفرد اگر به صورت مشتق بیاید باید از نظر جنس و عدد شبیه مبتدا باشد .
- نکته ۱۰۴) کلمه ی سه حرفی که حرف وسط "ا" (الف) و بعد از (الف) تشدید بیاید حتما مشتق اسم فاعل است .
- نکته ۱۰۵) الطقس = آب و هوا
- نکته ۱۰۶) دور = نقش (ما هو دور کلمه ... : نقش کلمه ی ...)

نکته (۱۰۷) السَّلام : همیشه مبتداست

نکته (۱۰۸) ربّ : مشتق صفت مشبّهه بر وزن فعل

نکته (۱۰۹) مَنْ در وسط جمله حتما موصول است ولی ما اینطور نیست .

نکته (۱۱۰) خَیر به معنی خوبی جامد است .

نکته (۱۱۱) کلمه ی سه حرفی که آخر آن ی مشدد باشد همیشه مشتق صفت مشبّهه است مانند : غنیّ ، علیّ ، نبیّ

نکته (۱۱۲) کلمه هایی مانند مرضیّ ، مهدیّ مشتق اسم مفعول می باشند .

نکته (۱۱۳) جمله ی وصفیه نمی تواند منصوب باشد .

نکته (۱۱۴) حرف لا همراه حروف ناصبه همیشه منفی است .

نکته (۱۱۵) اگر بین موصوف و صفت مضاف الیه بیاید ؛ موصوف ال نمی گیرد اما صفت باید ال بگیرد .

نکته (۱۱۶) اسم تفضیل می تواند صفت واقع شود اما هرگز موصوف نمی تواند باشد .

نکته (۱۱۷) قبل از جمله ی وصفیه حروفی مانند و ، ف ، ثُمَّ نمی آید و حتی فعل مضارع منصوب بجز لَنْ جمله ی وصفیه نمی تواند باشد .